

## بررسی موانع مدیریت بومی مراتع در استان فارس

دکتر منصور شاه ولی-مهندس غلامرضا باژیان

استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

رئیس مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام سازمان جهاد سازندگی استان فارس

نه گذشته و تجربیات آن و نه حال و واقعیات آن را نباید انکار کرد. تجربیات و قابلیت‌های مردم روستایی و عشایری، دانش بومی کشاورزی و مرتعداری آنان را تشکیل می‌دهد و مبانی اطلاعاتی را برای تصمیم‌گیری آنان فراهم می‌نماید. برای مثال، یک گزارش از برخی کشورها نظیر نیجریه در آفریقا، گویای آن است که مرتعداران در برخی مناطق این کشور، بوته‌ها و درختان خوراکی را از لحاظ اهمیت آنها برای خوراک دام اولویت بندی می‌کنند. از طرف دیگر، تجزیه ترکیب شیمیایی این بوته‌ها و درختان خوراکی در آزمایشگاهها نشان می‌دهد که اولویت بندی بوته‌ها و درختان به وسیله افراد بومی در این کشور نه تنها میزان فراوانی این مواد خوراکی را در منطقه نشان می‌دهد بلکه از لحاظ ارزش غذایی نیز، این اولویت بندی، بسیار دقیق و با ارزش می‌باشد. هم چنین، بررسی‌ها در برخی کشورها نشان می‌دهند که طراحی سیاست‌های ارضی در قالب قوانین و مقررات دولتی در ارتباط با مراتع، با آنچه را که مرتعداران صلاح دانسته و آن را صحیح می‌دانند، در بیشتر کشورهای جهان سوم از جمله ایران مغایرت دارند. لذا، در راستای شناسایی موانع بر سر راه مدیریت بومی مراتع استان فارس، یک مطالعه میدانی از تیر ماه ۱۳۷۶ تا پایان سال ۱۳۷۸ به کمک روش‌های پژوهشی "ارزیابی سریع روستا" و "تحقیق موردی خاص" انجام گرفت که به جنبه‌های مختلف موانع مدیریت بومی مراتع از جمله موانع حقوقی، نظیر قوانین دولتی و مقررات اوقاف، پرداخته شد. در این راستا، سعی گردید تا تضاد بین مدیریت بومی مراتع و قوانین و مقررات مذکور در مراتع استان معلوم گردد. اطلاعات جمع‌آوری شده، به کمک فنون مصاحبه‌های انفرادی و گروهی و همچنین بازدید و مشاهده گردآوری گردیده و بررسی شدند. نتایج تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهند که تضاد بین قوانین و مقررات دولتی و یا مقررات وقفی با مدیریت بومی مراتع، چهار صورت گوناگون به خود گرفته است که عبارتند از: تضاد ماهوی قوانین با مدیریت بومی مراتع، اجرای ناقص قوانین، اجرا نکردن مصوبات و نظارت نامناسب در حل مسائل حقوقی مرتبط با مدیریت بومی مراتع.

در این مقاله سعی می‌شود که محیط کاری و زندگی عشایر که بسیار پیچیده است و متشکل از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فنی و زیست بوم خاص است، بررسی گردد و تضاد مدیریت آنان در مراتع با قوانین دولتی و مقررات وقفی، معلوم گردد. در اصل مقاله، مصادیق هر یک از این تضادها (ماهوی، اجرای ناقص، اجرا نکردن و نظارت نامناسب) تبیین می‌شوند و راه‌های بدست آمده برای اعمال مدیریت بومی مراتع، که در راستای توسعه مراتع است، ارائه می‌گردند.

کلید واژه: دانش بومی، قوانین و مقررات، مدیریت مرتع، عشایر، فارس